


**مهدی حمزه‌نژاد\***

استادیار، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت، تهران

**مرضیه اصلانی\*\***

دانشجوی دکتری معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت، تهران (نویسنده‌ی مسئول)

تاریخ دریافت مقاله: ۹۹/۰۵/۲۰ تاریخ پذیرش نهایی: ۹۹/۰۹/۱۴

### چکیده:

نظام جمهوری اسلامی مانند سایر نظام‌های سیاسی در تلاش برای یافتن الگویی مناسب برای محیط مصنوع است تا از طریق آن تحقق مقاصد سیاسی خود را امکان‌پذیر سازد. از آنجا که مقاصد سیاسی هر نظام متأثر از بینش آن دربارهٔ اصالت فرد یا اجتماع است؛ نقش این موضوع در الگوی محیطی مناسب برای جمهوری اسلامی نیازمند تعمق و بررسی است. به این منظور این پژوهش به دنبال پاسخ به این پرسش است که آزادی و کنترل محیط در جمهوری اسلامی متأثر از چه عواملی است و باید از چه الگویی تبعیت کند؟ لذا این پژوهش با هدف بررسی مفاهیم اصالت فردی و اجتماعی در نظام جمهوری اسلامی و معرفی الگوی محیطی مناسب برای تحقق مقاصد آن به انجام رسیده است. روش این پژوهش مطالعه تطبیقی است که با ابزار استدلال منطقی به بررسی انواع نظام‌های حاکمیتی و حالت‌های گوناگون محیط مصنوع در آن پرداخته است و دست آخر به معرفی الگوی محیطی مناسب برای نظام جمهوری اسلامی پرداخته است. در گام اول، به بررسی انواع محیط مصنوع در نظام‌های لیبرال و سوسیال بر اساس نحوهٔ اصالت‌بخشی آنها به فرد یا اجتماع پرداخته شده است. در گام دوم، اصالت فرد یا اجتماع در اندیشهٔ جمهوری اسلامی مورد بررسی قرار گرفته و نقش این باور در پیدایش محیط معرفی شده است. در گام سوم، محیط‌های چندسرشتی به عنوان الگویی کارآمد برای بیان ویژگی‌های محیط مصنوع آزاد مطالعه شده در جمهوری اسلامی معرفی شده‌اند.

در بررسی‌های انجام شده محیط مصنوع در جمهوری اسلامی، متأثر از باورهای دینی از آزادی‌های فردی و ضرورت‌های اجتماعی پیروی می‌کند که در بستر فرهنگ تحقق پیدا خواهد کرد؛ در نتیجه، مقاصد نظام جمهوری اسلامی در تحولات محیطی از طریق بستر فرهنگی جامعهٔ دینی محقق خواهد شد. از این رو دیدگاه‌های محیطی - که بیانگر ایجاد خصلت‌هایی چندسرشتی در محیط هستند - برای نظریه‌پردازی در زمینهٔ کیفیت پیدایش و تحولات محیط مصنوع در جمهوری اسلامی الگو قرار داده شد. در نهایت این نتیجه به دست آمد که محیط آزاد مطالعه شده الگوی محیطی مناسب برای تحقق هر دو نوع اصالت‌های فردی و اجتماعی در جمهوری اسلامی است که از طریق منطقه‌بندی‌های هویتی در محیط و بر اساس فرهنگ و الگوهای معماری اصیل هر منطقه محقق می‌شود. در این حالت محیط آزاد مطالعه شده همزمان پاسخگوی ضرورت‌های حاکمیت، سلیقه و خواست فردی مردم و شرایط زمانی و مکانی محیط است.

واژه‌های کلیدی: محیط، نظام جمهوری اسلامی، اصالت فردی، اصالت اجتماعی، آزادی.

## مقدمه

تحولات پدیدآمده در محیط تبلور تصمیمات افراد برای کنترل اوضاع و تسلط بر آن است که به این منظور چهره محیط مصنوع را تغییر می‌دهند؛ و آن را مطابق میل خود می‌سازند. گاهی این تصمیمات متأثر از نیروهای حکومت و اصحاب قدرت بوده؛ و گاهی نیز بر اثر خواست مردم و به منظور ایجاد آزادی‌های فردی پدید آمده است. در شرایطی نیز دوگانگی‌هایی میان خواست حکومت و مردم به شکل تعارضات کالبدی و معنایی در محیط ظاهر شده؛ و اختلافاتی ایجاد کرده است. در چنین حالتی تصمیم‌گیری درباره محیط وابسته به اولویت دادن به یکی از خواست‌ها یا توجه همزمان به تفاوت‌هاست. در این میان نظام جمهوری اسلامی نیز برای یافتن الگویی مناسب برای محیط مصنوع و در راستای تحقق مقاصد سیاسی خود که متأثر از بینش آن درباره اصلت فرد یا اجتماع است؛ باید به راه‌حلی متناسب و راه‌گشا برای حل تعارضات در الگوی محیطی خود دست یابد.

به این منظور این پژوهش به دنبال پاسخ به این پرسش است که آزادی و کنترل محیط مصنوع در جمهوری اسلامی متأثر از چه عواملی است و باید از چه الگویی تبعیت کند؟

چارچوب نظری این پژوهش بررسی انواع دیدگاه در نظام‌های سیاسی و در رابطه با موضوع اصلت فردی و اجتماعی است که در نهایت به معرفی پاسخ مناسب برای پرسش این پژوهش از طریق مطالعه تطبیقی میان انواع نظام‌ها و الگوهای محیطی می‌پردازد. برای این منظور طی سه گام در این پژوهش مورد نظر است. در گام اول، به بررسی انواع محیط در نظام‌های لیبرال و سوسیال بر اساس نحوه اصلت‌بخشی آنها به فرد یا اجتماع پرداخته شده است. در گام دوم، اصلت فرد یا اجتماع در اندیشه جمهوری اسلامی مورد بررسی قرار گرفته؛ و نقش این باور در پیدایش محیط معرفی شده است. در گام سوم، محیط‌های چندسرشتی به عنوان الگویی کارآمد برای بیان ویژگی‌های محیط آزاد مطالعه شده در جمهوری اسلامی معرفی شده‌اند.

با بررسی منابع موجود و از میان پژوهش‌های صورت گرفته، دیدگاه‌های مرتبط با نوع ایدئولوژی جمهوری اسلامی در برخورد با موضوع اصلت فردی و جمعی و نحوه مواجهه با

موضوع آزادی تبیین شده‌اند که بر اساس آنها توجه به فرهنگ و خرده‌فرهنگ‌ها به عنوان عنصری اساسی در تحقق اصلت فردی و جمعی در جامعه اسلامی با حاکمیت مردم‌سالاری دینی شناخته شد. بر همین اساس محیط مصنوع در جمهوری اسلامی در هماهنگی با ایدئولوژی نظام و به عنوان تأمین‌کننده هر دو نوع اصلت فردی و جمعی به سمت نوع خاصی از محیط‌ها در نظامات شهری سوق خواهد یافت که آنها را در حوزه برنامه‌ریزی و طراحی شهری می‌توان به عنوان محیط‌های مصنوع چندسرشتی معرفی کرد. در ادامه این موضوع به بحث گذاشته خواهد شد.

## ۱. انواع محیط مصنوع در تنازع میان اصلت فردی و اجتماعی

مبحث «اصلت فرد یا اجتماع» یکی از پایه‌ای‌ترین مباحث در علوم اجتماعی است؛ و متفکران این حوزه با این سوال مواجهند که آیا فرد و حقوق و منافع آن اصل است و باید در اولویت قرار بگیرد؛ یا اجتماع اصلت دارد و باید حقوق و منافع آن را در اولویت قرار داد. این موضوع از جنبه‌های فلسفی و حقوقی مورد بحث قرار می‌گیرد. بر اساس دیدگاه اصلت فرد، افراد هستند که می‌اندیشند و بر اساس آن عمل می‌کنند و جامعه بدون افراد هیچ واقعیتی ندارد و چیزی جز مجموعه افراد و اشکال ارتباطات آنها نیست. در این نوع نگاه مقصود از حقوق و تکالیف فرد در برابر اجتماع نیز همان حقوق و تکالیف فرد در برابر سایر افراد جامعه است (مصباح یزدی ۱۳۶۸، ۵۴).

در مقابل مکتب اصلت فرد، پیروان اصلت اجتماع قرار دارند که با تأکید بر خصیصه جمعی پدیده‌های اجتماعی، اجتماع را دارای واقعیتی عینی تلقی می‌کنند که متمایز از افراد بوده و آثار خاص خود را دارد. بنابراین جمع‌گرایان برای اجتماع واقعیتی اصیل قائلند و فرد را دارای واقعیتی تبعی می‌دانند. از نظر آنان، انسان تنها در جامعه است که استعدادهایش از حالت بالقوه به بالفعل تبدیل شده و هویت و شخصیت خود را می‌یابد. از این رو محیط اجتماعی در تعیین طرز فکر انسانی تأثیری تام دارد و تمام افکار و احساسات و تصمیم‌های افراد متأثر از اوضاع و احوال اجتماعی آنان به وقوع می‌پیوندد. همچنین اراده و خواست فرد در چنین حالتی توان ایستادگی در مقابل اراده جامعه را ندارد و همواره تابعی از آن است (سوزنچی ۱۳۸۵،



(۴۵)

اصالت دارد و منافع فرد باید تابعی از منافع جامعه باشد. در این نظام منظور از آزادی نیز آزادی جمعی است؛ و لذا به میزانی که برای جامعه حق آزادی قائل است؛ آزادی از افراد سلب می‌شود. همچنین در چنین جامعه‌ای مالکیت اجتماعی به جای مالکیت فردی و حقوق اجتماعی به جای حقوق فردی اصالت دارد (شریعتی ۱۳۸۴، ۱۸۲ و ۱۸۳).

جامعه سوسیال یعنی جامعه‌ای که برای تأمین حقوق مساوی برای افراد به ضرورت‌ها اکتفا کرده است که حاکی از نقش پررنگ رعایت منافع یکسان جمعی در تحولات محیط مصنوع مصنوع و تصمیم‌گیری درباره آن است؛ مداخله در محیط با رویکردی تقلیل‌گرا از سوی کل جامعه در آن در حال وقوع است. در واقع سوسیالیسم با هدف اصالت‌بخشی به جامعه از طریق مالکیت یا نظارت بر وسایل تولید، سرمایه، زمین، اموال و اداره امثال آنها در تلاش برای ایجاد کیفیت‌هایی در محیط به سود همگان است. در نتیجه چنین سیاستی نفی کامل مالکیت خصوصی و قدرت مطلق بر محیط حاصل می‌شود. بنابراین ایجاد حقوق مساوی برای افراد از سوی حکومت، به ایجاد محیط‌های یکسان در شهرهای سوسیال منجر می‌شود (صفایی پور و سجادیان ۱۳۹۵، ۲۲۸-۲۳۵). این محیط‌ها را می‌توان محیط‌های «کنترل‌شده اجتماعی» دانست. محیط کنترل‌شده اجتماعی محیطی است که در اثر نظارت بر توزیع یکسان امکانات و ایجاد حقوق مساوی برای افراد جامعه از محیط ایجاد می‌شود.

در زمینه مسائل حقوقی نیز سؤال اینگونه مطرح است که هدف از قانون، «سعادت فرد» است یا «قدرت اجتماع»؟ و کدامیک بر دیگری اولویت دارد؟ در این زمینه طرفداران اصالت فردی قائل به نقش حکومت و قانون‌گذار به عنوان تأمین‌کننده آسایش، تنعم و آزادی افراد هستند و خوشبختی فرد در جامعه را در اولویت قرار می‌دهند؛ و معتقدند نباید به بهانه مصالح جامعه، خوشی و سعادت فرد را سلب کرد مگر در جایی که خطری نابودی جامعه را تهدید کند؛ که در اینجا نیز در واقع مصلحت فرد و حفظ منافع او رعایت شده است. در عوض طرفداران اصالت اجتماع معتقدند آنچه در درجه اول اهمیت دارد حفظ قدرت و سربلندی جامعه است که باید توسط حکومت و قانون‌گذاران تأمین شود. در این دیدگاه افتخارات فرد، آسایش، سعادت و آزادی فرد و هرچیزی که مربوط به افراد است باید در خدمت آرمان‌های جامعه باشد تا جامعه سربلند شود؛ حتی اگر افراد در رنج و سختی به سر برند (مطهری ۱۳۸۹، ۱۴۵). بر اساس آنچه ذکر شد؛ بر اساس مقاصد نظام‌های سیاسی گاهی حقوق فرد مقدم می‌شود و گاهی حقوق اجتماع در ارجحیت قرار می‌گیرد. در نظام‌های سیاسی رایج در قرن‌های اخیر نیز چنین مقاصدی دنبال شده است. بر اساس مقاصد نظام‌های سرمایه‌داری لیبرال، فرد مقدم بر جامعه است؛ به این معنی که فرد با قدرت اقتصادی خود می‌تواند روزبه‌روز سرمایه‌دارتر شود؛ اگرچه به جامعه آسیب برسد (خسروپناه ۱۳۹۴، ۶۲-۶۳)؛ و بر اساس مقاصد نظام‌های سوسیال، جامعه



فیروزآباد، استبدادی  
محیط کنترل‌شده استبدادی



بارسلونا، سوسیال  
محیط کنترل‌شده اجتماعی



نیویورک، لیبرال دموکراسی  
محیط آزاد

دبی، لیبرال اسلامی  
محیط آزادریاض، لیبرال اسلامی  
محیط آزاد

تصویر ۱. انواع محیط آزاد و کنترل شده در شهرهای سوسیالیستی، لیبرالیستی و استبدادی (پادشاهی دینی) (مأخذ: نگارندگان)

لیبرال با طیفی از توجه به آزادی‌های فردی و ضرورت‌های اجتماعی مواجه است که انواع محیط‌های آزاد و کنترل شده را پدید آورده است (تقوایی و زهتاب ۱۳۸۴، ۱۵۹-۱۶۲). لازم به ذکر است در نظام‌های استبدادی نیز - که نمونه‌های آنها در گذشته بیشتر رواج داشته است - کنترل بر محیط وجود دارد؛ اما منشأ آن اصالت فردی و حقوق فردی حاکم است. چنین محیطی را محیط کنترل شده استبدادی می‌نامند چراکه کنترل در آن ناشی از بهره‌مندسازی یکسان اجتماع از منافع مانند نظام‌های سوسیال نیست؛ بلکه کنترل محیط به منظور سلطه بر محیط و ایجاد غلبه بر آن پدید آمده است که معمولاً با توزیع ناعادلانه امکانات و حداقل دانستن حقوق افراد همراه است.

در عوض در جامعه لیبرال سلیقه‌های گوناگون مردم و نیازهای آنها در تصمیم‌گیری درباره محیط ایفای نقش می‌کند؛ لذا مداخله در محیط با رویکردی تکثرگرا همراه است که متناسب با انواع طیف‌های آزادی در لیبرالیسم متفاوت ظاهر می‌شود. از آزادی‌های بی‌قید و شرط با گسترش نابرابری‌های اجتماعی گرفته تا آزادی‌های محدودتر با دخالت دولت و با هدف از بین بردن نابرابری‌های اجتماعی، میتوان تأثیر آن را بر محیط کالبدی مشاهده کرد (تقوایی و زهتاب ۱۳۸۴، ۱۵۷؛ کلاتر مهرجردی ۱۳۸۸، ۵۰-۵۱).

در جوامع لیبرال تصمیم‌گیری برای محیط مصنوع در سیر تحول خود به نوعی معتدل‌تر شده و با پررنگ‌تر کردن نقش دولت‌ها، توجه به ضرورت‌ها را نیز در دستور کار خود قرار داده است. بنابراین مداخلات محیطی در نظام‌های

نظام استبدادی،  
محیط کنترل شده استبدادینظام سوسیال،  
محیط کنترل شده اجتماعینظام لیبرال،  
محیط آزاد

تصویر ۲. مقایسه عوامل اثرگذار بر محیط در نظام‌های سوسیال، لیبرال و استبدادی (مأخذ: نگارندگان)



ماهیت دینی آن صورت بگیرد. در نظام جمهوری اسلامی اگرچه لفظ جمهوری به صورت مشترک به کار می‌رود اما جمهوری در ایران تفاوتی اساسی با نظام‌های دموکراتیک دیگر دارد که در آنها تفکر سکولاریسم مبنای شکل‌گیری نظام سیاسی است (خسروی، فلاح و دهنوی ۱۳۹۵، ۱۳۱-۱۳۴). در واقع تأکید بر اصطلاح جمهوری در نظام جمهوری اسلامی بیانگر مردم‌سالاری و توجه به معیار تفویض قدرت به دست مردم است؛ و اصطلاح اسلامی بیانگر نقش ضوابط و محدوده‌های شرعی در اداره جامعه و ایجاد ارزش‌ها و میزانی برای چارچوب بخشیدن به انتخاب مردم است (افتخاری ۱۳۸۳، ۸۲-۸۶)؛ که در آن آزادی به معنی دادن حق انتخاب به مردم و رعایت رکن جمهوریت است؛ و ضرورت بیانگر لزوم اولویت دادن به مبانی و احکام اسلامی در حل مسائل جامعه است. تفاوت حاکمیت دینی و حاکمیت‌های غیردینی در منبع صدور ضرورت‌هاست که به جای منافع حزبی و فردی به دستورات و احکام دینی تغییر یافته است. از آنجا که ضرورت‌های دینی لازمه تحقق آزادی‌های فردی است؛ دو مفهوم ضرورت و آزادی در حاکمیت دینی لازم و ملزوم یکدیگر هستند.

بر اساس درهم تنیدگی دو رکن جمهوریت و اسلامیت در جمهوری اسلامی، تحقق اصالت فردی و اجتماعی نیز در هم تنیده شده است. تحقق اصالت فردی که آزادی فردی در گرو آن است؛ مفهومی است که مبنایی دینی دارد و کمال آن در حاکمیت دینی وقتی دست‌یافتی است که ضامن سعادت فرد و جامعه باشد. از این‌رو، امام خمینی در بیانات خود آزادی را مفهومی جاری در همه شئون و مسائل وابسته به دین‌داری و اجرای احکام اسلامی می‌داند (طاهایی ۱۳۸۴، ۸۷). در واقع در حاکمیت دینی به دلیل حضور دین به عنوان روح مشترک اعمال همه جامعه در راه کسب فضیلت‌های فردی و اجتماعی، تناقضی میان خواست افراد و خواست حاکمیت وجود ندارد. در نتیجه، تأکید بر حقانیت آزادی‌های فردی به تحرک و جنبشی عمومی از افراد آزاد منجر خواهد شد که با وجود فرد بودن و یگانگی، وحدتی عمومی برای عمل بر اساس مبانی دینی خود دارند که همان تحقق خواست حکومت برای رساندن افراد جامعه به سعادت است (طاهایی ۱۳۸۴، ۱۰۲). در نتیجه، نکته مهم در تحقق آزادی فردی و حق عمل آزادانه مردم این است که تحقق آزادی در طی زمان

تحولات پدیدآمده ناشی از تفکرات نظام‌های سوسیال، محیط مصنوع را به سوی تمرکزگرایی ناشی از غلبه قدرت حاکمیت در توزیع امکانات سوق داده که به پیدایش شهرهایی مرکزگرا، با ساختمان‌هایی یکنواخت منجر شده است. این‌گونه شهرها از نظر تنوع بافت تقلیل‌گرا بوده و به امکانات رفاهی و تفریحی در آنها کمتر توجه شده است (صفایی پور و سجادیان ۱۳۹۵، ۲۳۰-۲۳۱). از این‌رو، این محیط‌ها با امکانات کم و کالبدی یکنواخت با عنوان محیط کنترل شده معرفی شدند. در عوض در شهرهای لیبرال که آزادی در آنها با توجه به مفهوم اصالت فردی و توجه به حقوق احزاب گوناگون و تنوع سلیقه‌ها و نیازهای آنها قابل درک است (طاهایی ۱۳۸۴، ۹۳)، محیط پویاتر شده و تنوع و کثرت‌گرایی در آن مشاهده می‌شود که درصد تأمین خواست و نیازهای افراد هر یک از احزاب و نمایانند قدرت آنهاست. لذا، ظهور تضاد در محیط مصنوع حاصل طبیعی چنین نظامی در کشمکش میان منافع احزاب گوناگون در محیط است که از آن با عنوان محیط مصنوع آزاد یاد شد.

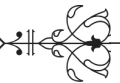
## ۲. اصالت فردی یا اجتماع در اندیشه جمهوری اسلامی و

### تأثیر آن بر محیط مصنوع

بر اساس تعالیم اسلامی، منظور از اصالت در اندیشه جمهوری اسلامی شامل هر دو نوع اصالت فردی و اجتماعی است. این موضوع از منظر فلسفی و در بحثی برون دینی این‌گونه قابل تشریح است که اگر معنای فرد، شامل فرد فیزیکی یا جسمانی، فرد معرفتی، فرد عاطفی، فرد ارادی و فرد کارکردی دانسته شود؛ چون هر یک از این معانی، مابه‌ازای خارجی دارند؛ پس فرد اصالت دارد؛ اما آنچه که برای جامعه می‌توان تصور کرد ناشی از اصالت فرد است؛ و برای جامعه نیز می‌توان مفاهیمی چون معرفت جمعی، عاطفه جمعی، اراده و کارکرد جمعی را پذیرفت؛ اما فیزیک جمعی غیرقابل قبول است. در واقع از تعاملات و کنش و واکنش‌ها و تأثیر و تأثرهایی که میان افراد جامعه پدید می‌آید؛ معرفت‌ها، عواطف، اراده‌ها و کارکردهای جمعی به وجود آمده و این امور در خارج به وحدت می‌رسند. از آنجا که این وحدت معرفتی، عاطفی، ارادی و کارکردی در بیرون مابه‌ازا دارد؛ صرفاً امری اعتباری نیست و به این معنا می‌توان برای جامعه نیز اصالت قائل شد (خسروی‌پناه ۱۳۹۴، ۶۳-۶۴).

این بحث در ارتباط با نظام جمهوری اسلامی باید با توجه به



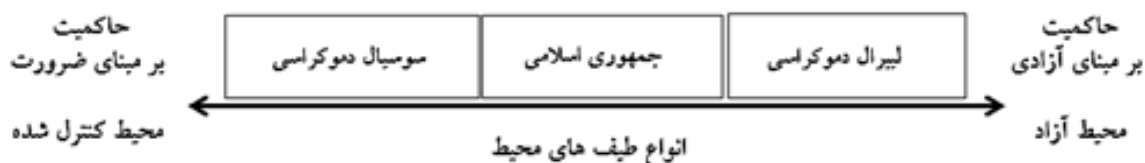


دینی در آن ایجاد می‌شود. محیط مصنوع در چنین جامعه‌ای را می‌توان «محیط آزاد مطالعه شده» نامید چراکه تحولات محیط وابسته به گذشت زمان و با یافتن راه‌حل‌های فرهنگی پدید آمده است.

همچنین فهم تحولات محیط مصنوع در چنین جوامعی نیز نیازمند مطالعه تحولات فرهنگی است. لذا چنین محیطی که برآمده از آزادی‌ها و ضرورت‌هاست و برآیندی از اصالت بخشی به فرد و اجتماع است؛ محیط مصنوع آزاد مطالعه شده نامیده شد؛ به این معنی که همزمان خواست مردم و ضرورت‌های حکومت را پاسخگوست؛ و راه‌حل‌های خود را در بستر فرهنگی و دینی جامعه جستجو می‌کند. در این صورت تحولات محیط مصنوع در بستر روابط حقیقی و دوسویه میان حکومت و مردم و با انگیزه رشد و سعادت جامعه صورت می‌گیرد.

نمودی فرهنگی به خود می‌گیرد و به اصولی نهادینه شده در روابط و زندگی فردی و متأثر از آن زندگی اجتماعی انسان‌ها تبدیل می‌شود. لذا در برخی اعمال، عمل آزادانه از حالتی انتخابی و آگاهانه بر اساس معیارهای دینی خارج شده و به عمل بر اساس مفروضاتی از پیش تعیین شده تبدیل می‌شود (طاهایی ۱۳۸۴، ۹۳).

از این‌رو، در دیدگاه جمهوری اسلامی اصالت فردی و اجتماعی در ضرورت‌های حاکمیت برای حفظ منافع برای حفظ منافع اجتماعی است و کنترل محیط کالبدی آزادی‌های فردی آنها ایجاد نخواهد کرد. در نتیجه آزادی و کنترل در محیط مصنوع در نظام مردم‌سالاری دینی میان خواست مردم و خواست حکومت به تعادل رسیده است. حیات بخشی به جامعه بر اساس ارزش‌های فرهنگی الگویی دینی است که نوعی کنترل در عین آزادی راه، در محیط مصنوع اعمال می‌کند که به دلیل وابستگی به فرهنگ



تصویر ۳. انواع محیط در نظام جمهوری اسلامی (مأخذ: نگارندگان)

فرهنگی، وحدت‌های اجتماعی مختلفی ایجاد می‌شود که این وحدت‌ها می‌توانند با یکدیگر در تعارض یا در تعاون و سازگاری باشند. در واقع محیط از برهم کنش این تعارضات شکل می‌گیرد و هرچه جامعه به سمت یکدستی پیش رود محیط نیز یکپارچه‌تر خواهد شد. در نهایت چگونگی ساماندهی محیط متأثر از چگونگی ساماندهی جامعه و وحدت‌های آن است.

در سنت شهرسازی ایرانی نیز توجه همزمان به ضرورت و آزادی در محیط وجود داشته و محیط‌های پدید آمده حاصل تلفیق توجه به آزادی‌ها و خواست مردم در کنار ضرورت‌های حکومت بوده است. همانطور که اشاره شد محیط آزاد هنگامی به وقوع می‌پیوندد که انواع محیط در اثر خواست، سلیقه و نیازهای گوناگون احزاب و اقلیت‌ها گوناگون جامعه پدید آید. همچنین محیط آزاد مطالعه شده بیانگر توجه به شرایط زمانی و مکانی در محیط، آزادی و حق انتخاب مردم و خواست حکومت در عمل به ضرورت‌هاست.

بنابراین ویژگی‌های محیط در نظام مردم‌سالاری دینی در مقابل محیط‌هایی که بر اثر توجه بیش از حد به هر کدام از دو ویژگی آزادی یا ضرورت پدید آمده‌اند؛ قرار می‌گیرد. توجه به دو مفهوم ضرورت و آزادی بدون در نظر گرفتن سازوکارهای پیونددهنده حاکمیت و مردم در نظام‌های سوسیال دموکراسی و لیبرال دموکراسی، در عمل محیط را از تعادل خارج کرده و به سوی تقلیل‌گرایی و یا تکثرگرایی بی‌رویه سوق داده است؛ درحالی‌که بر اساس تفکر مردم‌سالاری دینی محیط مصنوع به حالتی میانی و دو سرشتی از دو حالت فوق میل پیدا خواهد کرد.

«با تحلیل فرد به ساحت‌های مختلف می‌توان وحدت‌های معرفتی، عاطفی، ارادی و کنشی برای جامعه قائل شد؛ هرچند استقلال فیزیکی برای آن قائل نباشیم» (خسروپناه ۱۳۹۴، ۶۵).

نکته قابل توجه درباره وحدت‌های نامبرده این است که عمدتاً در جامعه یک وحدت وجود ندارد؛ بلکه بر اساس ویژگی‌های



کرده است؛ نداعی‌گر محیط آزاد بوده که به سبب رعایت ملاحظات فرهنگی و قومیتی ویژگی‌های محیط آزاد مطالعه شده را داراست. همچنین می‌توان تحولات محیط بر اساس سیاست‌های چهار دوره حکومتی مختلف را در میدان امام خمینی (توپخانه) تهران بررسی کرد. در تحقیقی که فرخ محمدزاده‌مهر درباره میدان توپخانه انجام داده، سیر تحول میدان در سه دوره بیان شده است. دوره اول، بین سال‌های ۱۲۶۰-۱۳۰۰، مصادف است با اولین توسعه شهر تهران در دوره ناصری که شامل تحولات مربوط به آغاز شکل‌گیری میدان تا تکمیل شکل نخست آن است. شکل اصلی میدان در این دوره تثبیت می‌شود و تغییراتی جزئی و موضعی در شکل کالبد و عملکرد ابنیه به وقوع می‌پیوندد (بانی مسعود ۱۳۸۸، ۱۰۱ و ۱۰۲).

تحولات میدان در این دوره بر مبنای نیازهای مکانی و زمانی و در ادامه سنت معماری گذشته شکل گرفته است. در ابتدا محل میدان مکانی برای استقرار قشون توپخانه، اسب‌دوانی نظامیان و مسیر دسترسی به دروازه شمالی ارگ برای درباریان بود؛ اما پس از گسترش تهران و ساخته شدن باروی جدید، این محل به بیابان مستطیل شکلی تبدیل شد که در ضلع شمال و جنوب و قسمتی از غرب آن حجره‌ها و اتاق‌هایی برای نگهداری از تجهیزات توپخانه دولت و استراحت نظامیان و توپچی‌ها ساخته شد؛ و در قسمت غربی میدان همچنان دیوار قورخانه و دروازه خیابان مریض‌خانه بود (بانی مسعود ۱۳۸۸، ۱۰۱-۱۰۲). به مرور در قسمت شمالی میدان عمارت بلدیه و در قسمت جنوبی عمارت مخابرات ساخته شد و تحولاتی مبتنی بر تعریف مجدد گذشته و روایتی مبتنی بر هویت گذشته در محیط رخ داد (حائری مازندرانی ۱۳۸۸، ۸۶). چنین تحولاتی هم بر مبنای حفظ سنت‌های محیطی گذشته و هم انتخابی آزاد در احداث کاربری‌های جدید شکل گرفته است که می‌توان از آن به عنوان محیط آزاد مطالعه شده نام برد.

دوره دوم در فاصله سال‌های ۱۳۰۰ تا ۱۳۲۰، مصادف است با روی کار آمدن رضاخان و تغییر الگوهای معماری میدان که با قلب ماهیت آن همراه است (حبیبی ۱۳۹۰، ۱۴۹-۱۵۱). در این دوره به سبب اراده حاکمیت برای اجرای مدرنیزاسیون و تحمیل آن بر محیط، روابط میدان با محیط شهر به کلی دگرگون شده و شکل سنتی میدان تغییر کرد. ساختمان شهرداری در ضلع شمالی میدان، ساختمان مخابرات در بدنه جنوبی، بانک شاهنشاهی در بدنه شرقی و ساختمان شهربانی و بانک سپه در بدنه غربی به عنوان عناصر اصلی میدان ظاهر شدند؛ و به آن عملکرد و هویتی اداری و دولتی بخشیدند. بنابراین میدان در این دوره متأثر از تصمیمات حکومت از الگوهای اصیل خود فاصله گرفت؛ و به تحولات ناشی از تحمیل



تصویر ۴. تلفیق یافت هندسی و ارگانیک در اصفهان صفوی در اثر توجه همزمان به آزادی و ضرورت (مأخذ: عسگری ۱۳۹۳، ۱۰۳)

در اصفهان دوره صفوی تقسیمات شهر به گونه‌ای شکل گرفت که زاینده‌رود محور جداکننده محلات گروه‌های مذهبی مختلف مردم بود. جلفا محل سکونت آرامنه و گبرآباد محل سکونت زرتشتیان در حاشیه جنوبی زاینده‌رود بود. شمال زاینده‌رود نیز به مسلمانان اختصاص داده شد. محله جدید عباس‌آباد برای اسکان مهاجران توسط شاه‌عباس و خیابان چهارباغ به عنوان راه ارتباط‌دهنده محله‌های شهر با یکدیگر و با خارج از شهر ساخته شد. آنچه در عصر صفوی در تحولات محیط به منظور رفع نیاز ساکنان اتفاق افتاد؛ نمود اجرای یک طرح کاملاً هندسی و منظم به قصد پاسخگویی به نیازهای حکومت در کنار بستر کاملاً ارگانیک شهر ناشی از حیات گذشته آن و توجه به بستر فرهنگی آن بود (پاکزاد ۱۳۹۰، ۴۰۱-۴۰۴). در توسعه جدید شهر تقسیماتی بر اساس فرهنگ قومیت‌های ساکن در آن ایجاد شد که در هر منطقه می‌توان آزادی‌های لازم برای اقوام را فراهم کرد. همچنین الگوی چهارباغ که میان محلات پیوند برقرار کرده و عناصر مورد نیاز حاکمیت را در شهر جانمایی



(بانی مسعود ۱۳۸۸، ۱۰۱-۱۰۲). در دوره انقلاب اسلامی تا سال ۱۳۷۰ تحولات میدان بر منوال دوره پهلوی دوم ادامه می‌یابد؛ از جمله ساختمان اداره راهنمایی رانندگی تخریب؛ و ساختمان‌های بخش جنوبی خیابان سپه به تدریج تخریب و ایستگاه مترو در آنجا احداث می‌شود. اما آخرین تحولات میدان در دوره انقلاب اسلامی با هدف احیای هویت گذشته آن صورت گرفته و هدف از آن بازگشت به محیطی منسجم و با معنی با توجه به نیازهای روز جامعه و شرایط مکانی میدان است (بانی مسعود ۱۳۸۸، ۱۰۱-۱۰۲). از این رو طرح ساخت ساختمان جدید شهرداری با الهام از الگوی گذشته آن، اما با کاربری جدید خانه شهر، نمایانگر تلاشی برای بازگشت مجدد به مفاهیم گذشته فضا است که حرکتی از محیط آزاد به محیط آزاد مطالعه شده به شمار می‌آید. تلاش برای معنی بخشیدن به روابط مردم و زندگی آنها بر اساس نیازهای امروز و تلاش برای پایبندی به اصالت گذشته میدان، محیط آزاد میدان را به سمت محیطی با آزادی مطالعه شده سوق خواهد داد.

حکومت تن داد؛ و به محیطی آزاد تبدیل شد که با گسست از گذشته خود، شرایط سیاسی جدید را که مبتنی بر تعریف متجدد گذشته بود (حائری مازندرانی ۱۳۸۸، ۸۶) پذیرفت؛ بدون اینکه به نیازهای زمانی و مکانی برخاسته از محیط و جامعه توجه کند (بانی مسعود ۱۳۸۸، ۱۰۱-۱۰۲).

دوره سوم تحولات میدان شامل سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۷۰ است که بخش مهم تحولات دوره پهلوی دوم در این دوره به وقوع می‌پیوندد. از طرفی تحولاتی که در دوره‌های قبل رخ داده هنوز باقی است و از سوی دیگر دگرگونی‌های جدیدی در شکل شهر و روابط شهری رخ می‌دهد که ناشی از تزلزل در سیاست‌های حکومت و از میان رفتن اقتدار آن در اثر واماندگی در دست نظام‌های سرمایه‌داری غرب است. بر اثر این تحولات محیط نمایانگر پدید آمدن محیط‌های آزاد با نمایش تضادهای اقتصادی و اجتماعی است؛ تا آنجا که پراکندگی و عدم انسجام در آنها را در اثر قطع ارتباط با مفاهیم گذشته را می‌توان مشاهده کرد (حبیبی ۱۳۹۰، ۱۸۷-۱۹۱). میدان در این دوره از ارزش‌های گذشته خود کاملاً تهی می‌شود؛ و کالبد میدان تحت تأثیر سبک بین‌المللی از الگوهای قبلی خود فاصله می‌گیرد



قاجار، محیط آزاد مطالعه شده



پهلوی اول، محیط کنترل شده استبدادی



پهلوی دوم، محیط آزاد



جمهوری اسلامی،  
تلاش برای بازگشت به محیط آزاد مطالعه شده

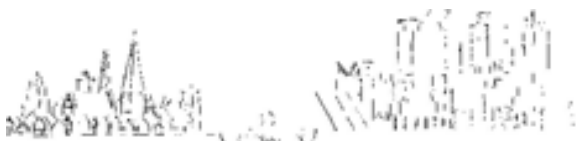


ویژگی‌های محیط مصنوع جدید	عامل اثر گذار بر تحولات محیط مصنوع	انواع محیط مصنوع	
تعریف مجدد گذشته و روایتی مبتنی بر الگوهای معماری محیطی	اراده حکومت منطبق با شرایط زمانی و مکانی، تبعیت از الگوهای محیطی	آزاد مطالعه شده	قاجار
قلب ماهیت محیط در اثر خواست حکومت	غلبه خواست حکومت بدون توجه به الگوهای محیطی	کنترل شده استبدادی	پهلوی اول
پدیدار شدن محیط‌هایی آشفته و غیرمنسجم در اثر پیروی از سبک‌های آزاد مداخله در محیط	غلبه خواست حکومت بدون توجه به الگوهای محیطی	آزاد	پهلوی دوم
تحولات محیط با هدف بازگشت به هویت گذشته و ایجاد محیطی منسجم با شرایط فعلی	تلاش برای ایجاد تعادل میان خواست حاکمیت و نیازهای اقشار گوناگون مردم	تلاش برای بازگشت به محیط آزاد مطالعه شده	جمهوری اسلامی

خود را اینگونه مطرح کرده است: «کثرت‌مداری لزوماً به معنای پریشانی سبک‌ها نیست؛ بلکه محترم شمردن تفاوت‌هاست» (کرییر ۱۳۸۹، ۲۲)؛ و وظیفهٔ دموکراسی یا مردم‌سالاری در این میان حفظ سرزندگی محیط در بستری از تسامح میان خواست حزب‌های مخالف است (کرییر ۱۳۸۹، ۱۹-۲۲).



آزادی دروغین، ادغام هویت‌های تاریخی و جدید همراه با بی‌نظمی و آشفتگی در محیط



آزادی راستین، کنترل دو هویت تاریخی و جدید همراه با ایجاد وحدت و انسجام در محیط  
تصویر ۶. انواع محیط آزاد در قالب کثرت‌مداری نظام‌های لیبرال در محیط، (مأخذ: کرییر ۱۳۸۹، ۲۰-۲۱)

### ۳. محیط‌های چندسرشتی، الگویی برای محیط آزاد مطالعه شده

در بررسی صورت گرفته دو نوع محیط آزاد و کنترل شده وابسته به نظام‌های سیاسی لیبرال و سوسیال معرفی شدند؛ و ویژگی هر کدام از آنها با توجه به مقاصد هر نظام سیاسی بیان شد. با شکست کومونیسیم و فروپاشی کشورهای سوسیالیستی، لیبرال دموکراسی رقیب سیاسی خود را عملاً کنار زد؛ و بدون رقیبی جدی یکه‌تاز میدان سیاست شد و روش آن در کشورهای بسیاری نفوذ کرد. متأثر از این تحولات -همانطور که سوسیالیسم در قالب حزب واحد دموکراتیک دوام نیاورد- سبک واحد دموکراتیک نیز در معماری و شهرسازی مقبولیت خود را از دست داد؛ و نیاز به تنوع و کثرت که الگوی محیط آزاد در نظام لیبرال بود؛ مجال بیشتری برای ظهور پیدا کرد (کرییر ۱۳۸۹، ۲۱).

اما الگویی که محیط‌های آزاد ارائه کردند نیز؛ محیط‌های شهری را دچار هرج‌ومرج و مشکلاتی ساخت. اگرچه توجه به آزادی و کثرت‌مداری در محیط‌های آزاد بر تقلیل‌گرایی و پیروی از سبک واحد در محیط‌های کنترل شده ارجحیت دارد؛ اما آزادی محیط حاصل از نظام‌های لیبرال به آشفتگی شهرها و حومه آنها منجر شده است. به جای آنچه در محیط‌های شهری لیبرال قابل مشاهده است؛ آشفتگی شهرها در اثر نمایش مواجههٔ خشن تفاوت‌هاست؛ که مجالی برای بروز صحیح تفاوت‌ها و خلق فضاهای اصیل باقی نگذاشته است. در این رابطه کرییر پیشنهاد



بر اساس نظریهٔ کرییر، پیروی از قواعد محیط و ایجاد محیط‌های همگون و دارای اصالت، بیانگر آزادی راستین در محیط است. کرییر این نوع معماری را ظهور «واقعیت دموکراتیک پر قدرت» در محیط می‌داند که با پیروی از الگوهای معماری متناسب در هر منطقه، امکان چند سرشتی بودن آن را فراهم می‌کند (کرییر ۱۳۸۹، ۲۱). حال ممکن است این محیط‌ها بنا به خواستگاه‌های فرهنگی با سرشت‌های متعدد یا تک‌سرشتی باشند که محیط را به سمت نوعی منطقه‌بندی وابسته به ویژگی‌های تاریخی و فرهنگی سوق می‌دهد.

با توجه به آنچه بیان شد؛ کرییر تحقق آزادی راستین در محیط را تنها در شرایطی که هر نوع سلیقه‌ای امکان ظهور و نمایشی واقعی برای خود داشته باشد؛ ممکن می‌داند. لذا پیشنهاد منطقه‌بندی بر اساس الگوهای معماری را مطرح می‌کند تا هر منطقه‌ای بتواند بر اساس سرشت معماری خود هویتی خاص داشته باشد که پاسخگوی نیازهای فرهنگی و ضرورت‌های اجتماعی آنها نیز هست. این جلوه‌گری هویت‌های مختلف در محیط از منظر وی رسیدن به همان هدفی است که جامعهٔ لیبرال دموکراسی به دنبال نمایش آن است.

#### ۴. بحث و نتیجه‌گیری

با توجه به مقاصد سیاسی نظام جمهوری اسلامی، لازم است محیط همزمان از ویژگی‌های اصالت فردی و اصالت اجتماعی بهره برد که چنین محیطی با عنوان محیط آزاد مطالعه شده معرفی شد. از آنجا که تحقق اصالت فردی محیط را به سمت آزادی و تحقق اصالت اجتماعی محیط را به سمت کنترل بیشتر سوق می‌دهد؛ تبیین این مفاهیم با توجه به مفهوم آزادی و نقش فرد و اجتماع در جمهوری اسلامی امکان‌پذیر است. با توجه به آنچه بیان شد؛ اصالت اجتماعی در جمهوری اسلامی برگرفته از روح دینی جاکم بر نظام است که مغایرتی با اصالت فردی ایجاد نمی‌کند؛ و اهداف حیات اجتماعی را همسو با حیات فردی و آزادی را در رسیدن به کمال انسانی محقق می‌سازد.

بر این اساس محیط در جمهوری اسلامی، متأثر از آزادی‌های فردی و ضرورت‌های اجتماعی برگرفته از

دستورالعمل وی برای شهرسازی امروز این است که «تکثر آرای مربوط به شهر و معماری را می‌توان به جای هدایت به سوی بی‌نظمی فراگیر، در مجرای انداخت که اقسام شهرها و روستاها را با ساختار و نظام و معماری و تراکم بسیار متنوع پدید آورد که هر کدام وحدت و انسجام و ویژگی خود را داشته باشد» (کرییر ۱۳۸۹، ۲۲).

آنچه که کرییر به عنوان راه‌حل محیط‌های آزاد در نظام لیبرال معرفی می‌کند؛ گویای لزوم توجه به ضرورت‌های موجود در الگوهای منطقه‌ای است که ریشه در سابقهٔ فرهنگی و نحوهٔ زندگی اجتماعی در آن مناطق دارد. این سبک مداخله در مقابل قواعد استاندارد شدهٔ وابسته به سبک بین‌المللی قرار دارد و قواعد خود را با توجه به شرایط مکانی و زمانی محیط و در هماهنگی با معماری منظرها و شهرهای موجود اخذ می‌کند. در واقع کرییر هر نوع مداخله در محیط را ملزم به رعایت سبک معماری تاریخی هر منطقه و روش‌های پیشینیان آن می‌داند. این روش‌ها که ریشه در هویت معماری هر منطقه دارد، به حفظ هویت محیط متناسب با نیازهای هر منطقه منجر می‌شود (کرییر ۱۳۸۹، ۲۱).



شکل اولیة شهر: هویت تاریخی، تنوع و همزیستی



ترکیب ناهمگون بافت تاریخی و جدید در بخش قدیمی شهر  
شکل نادرست تفکیک محیط آزاد و کنترل شده در توسعهٔ شهر



توجه به الگوهای منطقه‌ای برای ایجاد تنوع و همگونی در توسعهٔ شهر

تصویر ۷. انواع مداخله در محیط (مأخذ: کرییر ۱۳۸۹، ۱۰۰)



که وی برای مواجهه با وحدت‌های متضاد و متکثر در جوامع پیشنهاد می‌کند.

بر این اساس، محیط آزاد مطالعه شده برای پاسخگویی به وحدت‌های جمعی در جمهوری اسلامی نیازمند بیانی مطابق با فرهنگ است. از آنجا که فرهنگ‌های خرد در حاکمیت دینی متأثر از تعلیمات واحد دین هستند کل محیط در جامعه اسلامی وحدتی با انواع محیط‌ها در منطقه‌بندی‌های خود خواهند داشت که برگرفته از هویت دینی نهفته در آنهاست. بنابراین محیط در جمهوری اسلامی بیانگر کلیتی است با اجزایی که هم در جزء بودنشان وحدت دارند؛ و هم با کل محیط وحدت برقرار خواهند کرد؛ و ارتباط میان منطقه‌بندی‌ها در محیط بر اساس نقش فرهنگی آنها در جامعه دینی برقرار خواهد شد.

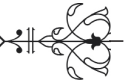
مفاهیم دینی است که در بستر فرهنگ تحقق پیدا خواهد کرد. در نتیجه، مقاصد نظام جمهوری اسلامی در تحولات محیطی از طریق بستر فرهنگی جامعه دینی محقق خواهد شد. از آنجا که بستر فرهنگی جامعه ساخته و پرداخته وحدت‌های جمعی است که عمدتاً دارای تعارض، تزاخم یا تعاون و سازگاری با یکدیگر هستند؛ محیط باید پاسخگوی این شرایط باشد و چگونگی ساماندهی آن متأثر از چگونگی ساماندهی وحدت‌های اجتماعی خواهد بود.

از این رو دیدگاه‌های محیطی که بیانگر ایجاد خصلت‌هایی چندسرشتی در محیط هستند؛ می‌تواند برای نظریه‌پردازی در زمینه کیفیت پیدایش و تحولات محیط در جمهوری اسلامی الگو قرار داده شود. همانطور که اشاره شد؛ نظریه‌گری دربارۀ محیط‌های آزاد در جامعه لیبرال از این جمله است. هویت‌بخشی به محیط بر اساس منطقه‌بندی الگوهای معماری و نمایش حقیقی تمایزها در محیط، راه‌حلی است

منابع

۱. افتخاری، اصغر. ۱۳۸۳. ارزش و روش در حکومت اسلامی. مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی (۲۱-۲۲): ۷۳-۱۳۴.
۲. بانی‌مسعود، امیر. ۱۳۸۸. معماری معاصر ایران. تهران: هنر معماری قرن.
۳. پاکزاد، جهان‌شاه. ۱۳۹۰. تاریخ شهر و شهرنشینی در ایران از آغاز تا دوره قاجار. تهران: آرمانشهر.
۴. تقوایی، مسعود، و زهتاب سروری. ۱۳۸۴. اثر لیبرالیسم بر فضای شهری. اطلاعات سیاسی - اقتصادی (۲۱۷-۲۱۸): ۱۵۶-۱۶۳.
۵. حائری‌مازندرانی، محمدرضا. ۱۳۸۸. نقش فضا در معماری ایران. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
۶. حبیبی، محسن. ۱۳۹۰. از شار تا شهر (تحلیل تاریخی از مفهوم شهر و سیمای کالبدی آن، تفکر و تأثیر). انتشارات دانشگاه تهران.
۷. خسروپناه، عبدالحسین. ۱۳۹۴. روش‌شناسی علوم اجتماعی. تهران: مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران.
۸. خسروی، حسن، محمود فلاح، و وحید دهنوی. ۱۳۹۵. جمهوریت و اسلامیت در گفتمان حقوق اساسی ایران با تأکید بر اندیشه امام خمینی(ره). پاسداری فرهنگی انقلاب اسلامی ۶(۱۳): ۱۲۹-۱۶۲.
۹. سوزنچی، حسین. ۱۳۸۵. اصالت فرد، جامعه یا هر دو، تحلیلی بر آرای استاد مطهری و استاد مصباح یزدی. قبسات (۴۲): ۴۱-۶۰.
۱۰. شریعتی، علی. ۱۳۸۴. تاریخ تمدن ۲. تهران: قلم.
۱۱. صفایی‌پور، مسعود، و مهیار سجادیان. ۱۳۹۵. جستاری بر برنامه‌ریزی فضایی و نظام شهرسازی مبتنی بر ایدئولوژی سوسیالیسم. جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری (۳۱): ۲۲۳-۲۶۶.
۱۲. طاهایی، سید جواد. ۱۳۸۴. درباره نظریه آزادی انقلاب اسلامی. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(س).
۱۳. عسگری، نسیم. ۱۳۹۳. نگاهی به معماری ایرانی در گذرگاه تاریخ: از آغاز تا دوره قاجار. تهران: مارلیک.
۱۴. کریبر، لئون. ۱۳۸۹. معماری، اختیار یا سرنوشت. ترجمه‌ی گروه مترجمان، زیر نظر مهرداد قیومی بیدهندی. تهران: روزنه.
۱۵. کلانتز مهرجردی، علیرضا. ۱۳۸۸. جریان‌شناسی لیبرالیسم در ایران: انقلاب مشروطه تا انقلاب اسلامی. تهران: وزارت علوم تحقیقات و فناوری.
۱۶. مصباح یزدی، محمدتقی. ۱۳۶۸. جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن. تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
۱۷. مطهری، مرتضی. ۱۳۸۹. عدل الهی. تهران: صدرا.
۱۸. مطهری، مرتضی. ۱۳۹۰. ده گفتار. تهران: صدرا.





## References

1. Asgari, Nasim. 2014. *A Look at Iranian Architecture in The Passage of History: From The Beginning to The Qajar Era*. Tehran: Marlic.
2. Bani Masood, Amir. 2007. *Contemporary Iranian Architecture*. Tehran: The Architectural Art of the Century.
3. Eftekhari, Asghar. 2004. Value and Method in Islamic Governance. *Epistemological Studies in Islamic University (21-22)*: 73- 134.
4. Haeri Mazandarani, MohammadReza. 2009. *The Role of Space in Iranian Architecture*. Tehran: Iran Cultural Studies.
5. Habibi, Mohsen. 2011. *From the City to the City (Historical Analysis of the Concept of the City and Its Physical Appearance, Thinking and Impact)*. Tehran: University of Tehran Press.
6. Kalantar Mehrjerdi, Alireza. 2009. *The Stream of Liberalism in Iran: The Constitutional Revolution to The Islamic Revolution*. Tehran: Ministry of Science, Research and Technology.
7. Khosravi, Hassan, Mahmood Fallah, and Vahid Dehnavi. 2016. Republic and Islam in the Discourse of Iranian Constitutional Rights with Emphasis on the Thought of Imam Khomeini. *Cultural Protection of the Islamic Revolution (13)*: 129-162.
8. Khosropanah, Abdolhossein. 2015. *Social Science Methodology*. Tehran: Iranian Institute of Wisdom and Philosophy Research Institute.
9. Krier, Leon. 2010. *Architecture, Authority or Destiny*. Translated by A group of Translators under the Supervision of Mehrdad Qayyumi Bidhendi. Tehran: Rozane.
10. Mesbah Yazdi, Mohammad Taghi. 1989. *Society and History from The Perspective of the Qur'an*. Tehran: Islamic Development Organization.
11. Motahari, Morteza. 2010. *Justice of God*. Tehran: Sadra.
12. Motahari, Morteza. 2011. *Ten Speeches*. Tehran: Sadra.
13. Pakzad, Jahanshah. 2011. *History of the City and Urbanization in Iran from the Beginning to the Qajar Era*. Tehran: Armanshahr.
14. Safae pour, Masuod, and Mahyar Sajadian. 2016. A Study of Spatial Planning and Urban Planning based on the Ideology of Socialism. *Geography and Urban Planning (31)*: 223-266.
15. Shariati, Ali. 2005. *History of Civilization 2*. Tehran: Qalam.
16. Soozanchi, Hossein. 2006. The Originality of the Individual, Society or Both, an Analysis of the Views of Professor Motahhari and Professor Mesbah Yazdi. *Ghabasat (42)*: 41-60.
17. Taghvaei, Masood, and Zahtab Sarvari. 2005. The Effect of Liberalism on Urban Space. *Political-Economic Information (217-218)*: 156-163.
18. Tahaye, Seyyed Javad. 2005. *About the Theory of Freedom of the Islamic Revolution*. Tehran: Imam Khomeini Publishing House.





## Freedom And Control of the Environment In the Islamic Republic System

Mahdi Hamzenejad \*

Assistant Professor, School of Architecture and Environmental Design, Iran University of Science and Technology, Tehran, Iran

Marzieh Aslani \*\*

PhD Student, School of Architecture and Environmental Design, Iran University of Science and Technology, Tehran, Iran

Received: 10/08/2020

Accepted: 04/12/2020

### Abstract

The system of the Islamic Republic, like other political systems, is trying to find the right model for the environment In order to make the realization of its political goals possible. Because the political intentions of any military are influenced by its vision of the originality of the individual or society, the role of this issue in the appropriate environmental model for the Islamic Republic needs to be pondered. Therefore, this study has been conducted with the aim of examining the concepts of individual and social originality in the system of the Islamic Republic and the appropriate environmental model for achieving its goals. To this end, this study seeks to answer the question of what factors affect the freedom and control of the environment in the Islamic Republic system and what model it should follows? The method of this research is a comparative study that has examined the types of governance systems and various environmental conditions in it with the tools of logical reasoning. For this purpose, three main steps in research have been designed. In the first step, the types of environment in liberal and social systems are examined based on the originality of the individual or society. In the second step, the originality of the individual or society in the thought of the Islamic Republic system is examined and the role of this belief in the creation of the environment is introduced. In the third step, multinature environments are introduced as an efficient model for expressing the characteristics of the studied free environment in the Islamic Republic system. Finally, it introduces a suitable environmental model for the Islamic Republic system and was concluded that the studied free environment is a suitable environmental model for the realization of both individual and social originality in the Islamic Republic which through regional identities in the environment and based on culture and original architectural patterns of each region is realized. In this case, the studied free environment simultaneously meets the needs of governance, people's individual tastes and desires, and the temporal and spatial conditions of the environment. Because microcultures in religious governance are influenced by collective unity and the teachings of religion, the whole environment in Islamic society will be united with a variety of environments in their own configurations that derive from their religious identity. Therefore, environmental perspectives that express the features of multinature in the environment can be used as a model for theorizing about the quality of the emergence and evolution of the environment in the Islamic Republic system.

**Keywords:** Environment, Islamic Republic system, individual originality, social originality, freedom.